

نقش نخبگان اسرائیل در اشغال جنوب لبنان

● حسین سیروس

جایگاه ارتش در این رژیم از اهمیت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. نظر به این که اغلب رهبران و سیاستمداران اسرائیل از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بوده و مدارج علمی را کسب نموده‌اند، دانشگاه نیز نقش عمده‌ای را در پرورش نخبگان و برگزیدگان ایفا کرده است. با توجه به فرارسیدن اولین سال عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان ضمن بررسی اجمالی اهداف اشغال جنوب لبنان از منظر نخبگان وقت و آشنایی با دیدگاهها و نقطه نظرات شخصیت‌های تأثیرگذار، به علل و دیدگاه رهبران اسرائیل در مدت

با نگاهی به پیشینه تاریخی و سیاسی جامعه جهانی در می‌یابیم نخبگان سیاسی از نقش قابل توجهی در فرایند تشکیل ثبات نظام سیاسی برخوردارند. با مقایسه کانونهای نخبه‌ساز در سیستمهای سیاسی گوناگون می‌توان به برخی از وجوه افتراق جامعه اسرائیل با جوامع دیگری برد. نهادهایی چون ارتش، دانشگاه، مدارس مذهبی و... به عنوان خاستگاه برگزیدگان و نخبگان اسرائیل نقش مهمی ایفا می‌کنند.

با توجه به این که رژیم اسرائیل از بدو تشکیل تا کنون با معضلات نظامی و امنیتی متعددی روبرو گردیده است،

پس از پیروزی حزب لیکود در انتخابات ژوئن ۱۹۸۱ اوضاع بار دیگر دگرگون شد. این پیروزی انعکاسی از تحولات جامعه اسرائیل و برآیند تغییر تمایلات و ذائقه عمومی بود و رفته رفته در «بگین» به عنوان نخست وزیر، دولت و حزب متبوعش - لیکود - یک نوع احساس اعتماد به نفس و تمایل به عملی ساختن عقایدش در مورد حفظ و گسترش سرزمین ملت یهود را القا نمود. پس از انتصاب «آریل شارون» به عنوان وزیر دفاع این کابینه، به نظر می‌رسید که ابزار مناسبی برای ادامه سیاست و عقیده مذکور (حفظ و گسترش سرزمین اسرائیل) برگزیده شده است. (۲) وی کسی بود که در فضای ستی «دیوید بن گورین» و «موشه دیان» در دوران ایجاد حصارهای دفاعی در سالهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد کرده و از سال ۱۹۷۷ در توسعه آبادیهای یهودی نشین و ساخت و ساز شهرکهای متعدد در کرانه باختری نقش مهمی را ایفا نموده بود. او همچنین جایگاه مهمی را در میان جامعه

اشغال تا عقب نشینی و علل و تأکید اکثر شخصیت‌های مهم این رژیم منبى بر عقب نشینی تا مرزهای فلسطین اشغالی پرداخته خواهد شد. برای نمونه می‌توان دیدگاه «رافائل ایتان» رییس وقت ستاد کل ارتش اسرائیل را در نظر گرفت که معتقد به کاربردن راه حل نظامی بود. این در حالی بود که نخبگان حزب کارگر، «اسحاق رابین» و «مردخای گور» - هر دو زمانی ریاست ستاد ارتش را بر عهده داشتند - معتقد بودند عملیات گسترده زمینی قادر به حل مسائل نخواهد بود و در این شرایط بهتر است با حفظ آتش پس اهداف دنبال شوند. اما این مخالفت، به معنای مخالفت حزب کارگر با عملیاتی محدود و با هدف ایجاد یک حریم امنیتی در جنوب لبنان نبود. در این میان نخبگان دولت وقت معتقد بودند که یک عملیات محدود، بی معنی است و تا هنگامی که «ساف» همچنان به صورت تهدید در بیروت باقی است، هر گونه عملیاتی در جنوب لبنان تنها یک در مان موقتی محسوب می‌شود. (۱)

شدن عراق در جنگ با ایران و فعال شدن مخاصمات اردن و سوریه خطر جبهه شرقی تا حدی برطرف شده و از سوی دیگر پس از کمپ دیوید و پدید آمدن یک شکاف بین اعراب و طرد مصر از سوی کشورهای عربی و اسلامی، اسرائیل می‌تواند با برخورداری از یک تفوق نظامی فعالیت‌های خود را بدون هراس چندانی در یک نقطه متمرکز نماید. در این میان مواضع آمریکا نیز پیرامون بحران در جنوب لبنان تأثیر به‌سزایی در میان تصمیم‌گیرندگان و نخبگان اسرائیلی در راستای اخذ تصمیم اشغال به همراه داشت. (۵) تابستان سال ۱۹۸۲ شارون و دیگر اعضای کابینه اهداف اسرائیل را در عملیات لبنان در دو محور به روشنی اعلام نمودند:

الف) نابود ساختن استحکامات نظامی «ساف» در جنوب لبنان و ایجاد حریم امنیتی به عرض ۴۰ کیلومتری یعنی به اندازه برد مؤثر توپخانه و موشک‌اندازهای ساف.

ب) از میان بردن موقعیت ساف در

اسرائیل به عنوان یک ژنرال کارآزموده و فرماندهای مقتدر در جنگهای اعراب و اسرائیل به خود اختصاص داده بود. (۳) وی پس از گذشت کمتر از ۶ ماه که تصدی وزارت دفاع را بر عهده داشت، در فرایند سیاستگذاریهای دفاعی نقش مؤثری را ایفا نمود و تا حدود زیادی سیاستگذاریهای خارجی و بین‌المللی را نیز تحت نفوذ خویش در آورد.

در اکتبر سال ۱۹۸۱ شارون «خط سرخ» اسرائیل و دیدگاه خود را در مورد آنچه که در پرتو آن توسل به جنگ توجیه‌ناپذیر می‌گردید، ارائه نمود:

- ۱- دستیابی اعراب به سلاحهای اتمی
- ۲- تمرکز نیروهای عرب در حاشیه مرزهای اسرائیل
- ۳- نقض موافقتنامه‌های خلع سلاح از سوی آنها

۴- اقدامات جنگی و خصمانه از قبیل مداخله در ارتباطات هوایی و دریایی اسرائیل (۴)

شارون به عنوان یکی از بنیانگذاران اشغال معتقد بود که از یکسو با درگیر

می‌شد و «ریمون اده» یک ناسیونالیست مستقل لبنانی با ویژگی‌های ضدسوری و ضد فلسطینی. احتمال چهارم ایجاد یک نوع ائتلاف بود. به این ترتیب که یا شانس انتخاب سرکیس افزایش یابد و یا این که یک سیاستمدار بی طرف مارونی چون «جان عزیز» به عنوان کاندیدا معرفی گردد.

در میان کاندیداها، نظر اسرائیل بیشتر متوجه حمایت از بشیر جمیل بود و اعتقاد بر این بود که در صورت پیروزی او در انتخابات، این امر می‌تواند طرح اسرائیل برای آینده لبنان را کامل کند و اسرائیل با آسودگی از ناحیه جنوب لبنان، همه تلاش خود را متوجه مقابله با سوریه نماید.

یکی دیگر از موضوعاتی که تا حدودی در حاشیه اقدامات اصلی قرار داشت و اگر در طرح پیش‌بینی شده به درستی عمل می‌شد، می‌توانست بطور طبیعی نیساز اسرائیل را برآورد، بهره‌برداری از آب لیتانی بود. در صورت نفوق اسرائیل و پیروزی جمیل و

بقیه نقاط لبنان- بویژه در بیروت- به منظور محدود نمودن تسلط این سازمان بر نظام سیاسی لبنان و کاهش نقش آن در درگیری‌های اعراب و اسرائیل.

موضوع دیگری که ذهن نخبگان وقت اسرائیل را بسیار به خود مشغول نموده بود- و به عنوان یکی دیگر از اهداف مهم که آنها در تصمیم حمله به لبنان برای خود متصور بودند- تأثیرگذاری بر جریان انتخابات ریاست جمهوری لبنان بود. پایان دوره ریاست جمهوری «الیاس سرکیس» و نیاز به انتخاب جانشینی برای وی در خلال ماههای می تا سپتامبر، مسأله‌ای نبود که از نظر مقامات دولت تل‌آویو پنهان بماند. انتخاب رییس جمهور و در پی آن دولتی هماهنگ با اهداف اسرائیل، می‌توانست عرصه را بر سوریه تنگ کند و سوریه را با اهداف اسرائیل هماهنگ سازد.

در آن هنگام، سه کاندیدای اصلی در عرصه انتخابات مطرح بودند:

«بشیر جمیل» از جبهه لبنان، «سلیمان فرنجه» که از سوی سوریه حمایت

تصمیم‌گیری لبنان از هیچ‌گونه نقشی برخوردار نباشد) است تا تمامیت ارضی این کشور محفوظ بماند.

۵- هدف اصلی بنیانگذاران اشغال، ایجاد یک کمربند امنیتی در شمال اسرائیل بود و بانی اصلی و طراح اشغال، وزیر دفاع وقت آریل شارون بود. وی معتقد بود که یک پیروزی محدود بر سوریه در لبنان، در جهت نیل به اهداف جنگ مؤثر و مناسب است.

پس از حمله ارتش اسرائیل و فالانژها به جنوب لبنان و درگیری با نیروهای ساف و تصرف مناطقی در غرب و جنوب، نخبگان اسرائیل خود را مهبای تحسین و تمجید می‌دیدند. خروج ساف از بیروت و انتخاب بشیر جمیل به ریاست جمهوری، حاکی از این بود که اهداف اسرائیل از حضور در لبنان در شرف تکوین است. مرکز سیاسی لبنان از تسلط سوریه و ساف بیرون آمده و در نظر بود تا دولت مرکزی مقتدری با ویژگی همکاری نزدیک با اسرائیل بنیانگذاری شود.

خروج سوری‌ها و فلسطینی‌ها از لبنان بهره‌برداری از آب لیتانی می‌توانست کاملاً عملی باشد.

در روز ششم ژوئن ۱۹۸۲ کابینه اسرائیل با انتشار اعلامیه‌ای اهداف عملیات نظامی در جنوب لبنان را بیان نمود که در محورهای ذیل خلاصه می‌شد:

۱- به نیروهای دفاعی اسرائیل دستور داده شد تا ساکنان «جلیله» را از معرض برد آتش تروریستها در لبنان و همچنین محل استقرار پایگاهها و مقر فرماندهی آنها دور نگه دارد.

۲- این عملیات از سوی اسرائیل به عنوان عملیات «صلح برای جلیله» نامگذاری شد.

۳- در جریان این عملیات نیروهای سوری مورد حمله واقع نخواهند شد، مگر این که از جانب آنها تعرضی صورت گیرد که اسرائیل در پاسخ به تعرضات، خود را محق می‌داند.

۴- اسرائیل همچنان خواهان امضای موافقت‌نامه صلح با لبنان مستقل (به گونه‌ای که سوریه در فرایند

مهم در صحنه لبنان دست یابد:

الف) نیروهای نظامی جنبش مقاومت فلسطین تا اول سپتامبر خاک لبنان را ترک نموده و در کشورهای مختلفی چون اردن، عراق، تونس، یمن جنوبی، یمن شمالی، سودان، قبرس، یونان، سوریه و الجزایر پراکنده شده بودند. به این ترتیب اسرائیل از تجمع نیروهای ضد اسرائیلی در مرزهای شمالی خود جلوگیری نموده بود.

ب) با وارد آمدن ضربه‌های جدی بر پیکره نظامی ارتش سوریه در خاک لبنان و عقب راندن ارتش این کشور به بخشهای شرقی تر دره بقاع و نیز خروج نیروهای ارتش سوریه از بیروت، ضربه‌ای شدید به اعتبار سیاسی سوریه و رهبری آن وارد آمده بود.

ج) حاکمیت لبنان تا حدودی بر اساس دیدگاههای اسرائیل شکل گرفته بود و از این دیدگاه نسبت به گذشته قابل تحمل تر به نظر می‌رسید.

در یک چنین اوضاعی دولت اسرائیل آمادگی خویش را برای

درخواست دولت جدید لبنان مبنی بر لزوم خروج نیروهای سوری از شرق و شمال این کشور - که به تفوق نیروهای نظامی اسرائیل در مثلث مرزی لبنان، سوریه و اسرائیل منتهی می‌شد - معادلات سیاسی را دچار دگرگونی ساخت. با این همه منطقه هنوز آستان حوادث دیگری بود که نه تنها با طرحهای اسرائیل هماهنگی نداشت، بلکه مشکلاتی را نیز برای نیروهای اشغالگر بوجود آورد. انتشار طرح خاورمیانه‌ای ریگان، ترور بشیر جمیل، اشغال بیروت غربی توسط اسرائیل و بازتاب جهانی این اشغال، قتل عام صبرا و شتیلا و انتخاب امین جمیل به ریاست جمهوری لبنان از جمله مؤلفه‌هایی بود که نخبگان اسرائیلی یا انتظار آن را نداشتند و یا اهداف و محصول دیگری را از آن توقع داشتند.

با روی کار آمدن امین جمیل و علی‌رغم ضربه‌ای که ترور بشیر جمیل به مواضع سیاسی اسرائیل و سناریوی تألیفی سیاستمداران اسرائیلی وارد آورد، تل‌آویو توانسته بود به سه هدف عمده و

قابل توجه بود: معایب و نقایص ذاتی طرح جنگ ۱۹۸۲، اختلاف منافع و دیدگاه متفاوت اسرائیل و آمریکا، رشد و گسترش انتقاد و شک و تردید در داخل اسرائیل، روابط ناکام اسرائیل با امین جمیل و نیروهای لبنانی و از همه مهمتر، ایجاد و گسترش انگیزه مبارزه جویی اسلامی در لبنان که اسرائیل را در کانون مبارزات خود قرار داده بود.

ورود اسرائیل به لبنان و عقب نشینی تا محدوده امنیتی جنوب را در چهار دوره می توان جمع بندی نمود:

الف) سپتامبر ۱۹۸۲ تا مارس ۱۹۸۳

طی این دوره، دولت اسرائیل به رهبری منساخیم بگین و آریل شارون تلاش کردند تا بر مشکلات و معضلات متعددی فائق آیند. اسرائیل کوشید تا آنجا که ممکن است سرمایه های خود در لبنان را نجات بخشد تا بتواند با طرح ریگان - بدون درگیری با دولت آمریکا - مخالفت کند و سایه فعالیت

عقب نشینی از خاک لبنان، مشروط به تأمین برخی از خواسته هایش اعلام نمود. مهمترین شرط های اسرائیل برای عقب نشینی از خاک لبنان - آن گونه که توسط هیأت دولت رژیم صهیونیستی در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۲، قبل از سفر امین جمیل به ایالات متحده اعلام گردید - عبارت بود از:

انعقاد یک قرارداد صلح میان لبنان و اسرائیل، عادی سازی روابط با این کشور و ایجاد ترتیبات امنیتی در داخل اراضی لبنان با هدف تضمین امنیت مرزهای اسرائیل.

هنگامی که دولت وحدت ملی اسرائیل متشکل از برگزیدگان احزاب چپ و راست تصمیم گرفت که ارتش اسرائیل باید حتی بدون اتخاذ هیچ گونه اقدامات امنیتی رضایت بخش تا منطقه کمربند امنیتی در جنوب عقب نشینی نماید، در حقیقت تلاش می کرد تا خود را از منحصه ای که از سپتامبر ۱۹۸۲ دچار آن شده بود، رهایی بخشد. گرفتاری اسرائیل متأثر از آثاری چند،

«کمیسیون کاهان» را بر آینده سیاسی و اعضای رهبری این کشور رفع نماید. (۶) نبرد در کوهستانهای «شوف» و برتری شبه نظامیان دروزی بر نیروهای لبنانی، سبب تداوم سیاست اسراییل در لبنان گردید. مذاکرات مستقیم در ماه دسامبر در «خالصه» شروع شد و هنوز مذاکرات پایان نیافته بود که در مارس ۱۹۸۳ پس از انتشار گزارش کمیسیون کاهان، شارون از پست وزارت دفاع استعفا داد و «موشه آرنز»، سفیر چند ساله اسراییل در واشنگتن به جای وی برگزیده شد. (۷)

ب) مارس ۱۹۸۳ تا سپتامبر ۱۹۸۳

دگرگونی و جایجایی مهره‌ها در دولت اسراییل، تغییر سیاستها در لبنان را تسریع نمود. اولین تغییر، تقلیل درخواستهای اسراییل در مذاکرات با دولت لبنان بود. دومین تحول، اتخاذ موضع جدیدی از سوی هماهنگ کننده سیاستهای اسراییل در لبنان، (اوری لوبرانی) بود که از سوی نخست

وزیر و وزیرای دفاع و خارجه، بطور مشترک منصوب شده بود. (۸) با انتصاب لوبرانی، دولت اسراییل سعی داشت تا از یک سو ضعفهای سیاسی اسراییل در لبنان را کاهش دهد و از سوی دیگر ایده‌های جدیدی ارائه نماید.

براین اساس، پس از امضای موافقتنامه ۱۷ می، خط مشی نوینی از اوایل تابستان ۱۹۸۳ دنبال گردید به نحوی که اسراییل روابط گسترده خود را با مارونیه کاهش داد و تلاش کرد تا با سایر جوامع نیز تماسهایی برقرار نماید. مارونیه همچنان متحد اصلی باقی ماندند، اما تلاشهایی برای ایجاد روابط و همکاری با دروزها نیز صورت گرفت. ابتکاری که در رابطه با جامعه دروز بکار گرفته شد، بطور قابل ملاحظه‌ای در کوتاه مدت موفقیت آمیز بود. این اقدام، خروج تدریجی اسراییل از شوف را تسهیل نمود و در جلوگیری از عملیات فلسطینی‌ها علیه اسراییل مفید واقع شد.

ج) سپتامبر ۱۹۸۳ تا سپتامبر ۱۹۸۴

این دوره با خروج نیروهای اسرائیل از شوف آغاز و با تشکیل دولت اتحاد ملی به رهبری «شیمون پرز»، رهبر حزب کارگر خاتمه می‌یابد. در این مقطع، سیاست دولت همان گونه که توسط «شامیر»، نخست وزیر و آرنز وزیر دفاع اعلام گردید، عقب نشینی نیروهای ارتش اسرائیل بود. این عقب نشینی تنها زمانی قابل اجرا بود که اقدامات امنیتی کافی و مورد نظر اسرائیل صورت می‌گرفت. اما نظر دیگری که بویژه توسط پرز، رهبر مخالفان ارائه می‌شد، بر این مبنای بود که درخواست ترتیبات امنیتی یهودیه است و منافع اسرائیل با خروج سریع از لبنان تضمین می‌شود.

نظر سومی نیز وجود داشت که از همین فرضیه مشابه، نتیجه متضادی را استنتاج می‌نمود. این دیدگاه معتقد بود از آنجایی که درخواست ترتیبات امنیتی یهودیه است و هیچ مرجعی برای ایجاد امنیت وجود ندارد، پس اسرائیل

باید با حضور مستمر خود این امنیت را تسامین نماید. طی این دوره اسرائیل توانست تنها به تقویت مزدوران «آتوان لحد» که اینک جانشین «سعد حداد» شده بود، اقدام کند و تعداد آنها را به ۳ هزار نفر افزایش دهد.

د) سپتامبر ۱۹۸۴ تا می ۱۹۸۵

در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۴، دولت اتحاد ملی توسط شیمون پرز تشکیل شد. بازسازی اقتصادی و فراهم ساختن ترتیبات خروج ارتش اسرائیل از لبنان، دو وظیفه اساسی دولت جدید بودند. سیاستگذاری در لبنان به «اسحاق رابین» واگذار گردید. اولین حرکت او تلاش برای جلب همکاری سوریه بود.

ادامه اشغال جنوب لبنان مسائل و مشکلات روزافزونی را برای رژیم صهیونیستی به دنبال داشت که همواره به صورت یک معضل عمده برای تمامی دولت‌های اسرائیل مطرح بوده است. هیچ کدام از این دولت‌ها در این زمینه به یک اجماع نسبی نرسیدند و بنابراین تصمیم

قابل اجرایی نیز اتخاذ نمودند. در همین راستا دو دیدگاه عمده در مورد باقی ماندن یا خروج از جنوب لبنان از میان اظهارات و مواضع مقامات سیاسی و نظامی مسئول و نیز نخبگان و کارشناسان اسرائیلی طی این سالها، قابل تشخیص است که هر دو نظریه، بر محور امنیت شمال اسرائیل (مرزها، شهرکها و....) متمرکزند:

دیدگاه اول

مطرح کردن مسائل زیر خروج از لبنان را توصیه می نمودند:

۱- لزوم رهایی ارتش از یک درگیری دراز مدت و ضربه پذیری مداوم

۲- حضور در جنوب لبنان مانع حملات حزب ا... نبوده است و ارتش اسرائیل در این زمینه توفیقی نداشته است. ضمن این که حضور در جنوب لبنان باعث رشد و گسترش حزب ا... شده و این گروه را به سازمانی منسجم و متشکل که اینک در عرصه سیاسی لبنان

نیز دارای قدرت قابل توجهی شده، تبدیل نموده است.

۳- لزوم پرهیز از تنشهای داخلی که پس از هر حمله نیروهای مقاومت اسلامی به وجود می آید و گروههایی نظیر «چهار مادران» را ایجاد و متشکل کرده است. (۹)

۴- اسرائیل به عادی سازی روابط با همسایگان عرب خود نیاز دارد و حضور در لبنان مانع عمده ای بر سر راه تحقق این هدف است.

۵- حضور در جنوب لبنان به عنوان یک رژیم اشغالگر موجب تضعیف وجهه بین المللی اسرائیل شده است.

طرفداران این دیدگاه معتقد بودند که در صورت خروج از جنوب لبنان، حزب ا... و جبهه مقاومت اسلامی توجهی برای تعرض به داخل اسرائیل نخواهند داشت و دولت لبنان نیز در این شرایط، ناچار است از ادامه حضور این گروهها در جنوب جلوگیری کند. در عین حال برای پیشگیری از هرگونه تعرض، می توان با حفظ بخشهایی از

الف) سوریه اجازه صلح جداگانه با لبنان را به دولت وابسته نمی‌دهد.

ب) سوریه از ایجاد تنش در جنوب لبنان و هدایت جبهه مقاومت اسلامی برای فشار به اسرائیل برای حل مسایل خودش استفاده می‌کند.

ج) خروج از جنوب، درگیری را از جنوب لبنان به داخل مرزهای اسرائیل خواهد کشید.

د) برای سوریه اهمیتی ندارد که لبنان فدای منافع سوریه شود. شاید سوریه راضی باشد که درگیری گسترده‌ای همچون ۱۹۸۲ بار دیگر در لبنان اتفاق بیفتد تا اسرائیل کاملاً در گیر و تضعیف شود.

ه) ایران با سوریه کاملاً هماهنگ است و تمایلی به خروج اسرائیل از لبنان ندارد و این دیدگاه کاملاً بر حزب... تأثیرگذار خواهد بود.

و) در صورت خروج از لبنان قبل از حل مسأله جولان، سوریه هر لحظه که اراده کند، می‌تواند با استفاده از اهرم حزب... در داخل مرزهای اسرائیل

ارتش جنوب لبنان و عقب کشیدن آنها به خطوط مرزی، از آنها به عنوان خاکریز اول درگیری استفاده کرد. در صورت هرگونه درگیری، اسرائیل این توان را دارد که با حملات برق‌آسا بویژه عملیات هوایی، لبنان را از تعرض ممانعت نماید. افزون بر این سوریه برای آغاز مذاکره در مورد جولان ناچار است از تدروی در لبنان اجتناب کند. بنابراین می‌توان با خروج از جنوب لبنان (حتی بدون قید و شرط)، لبنان را از حالت برگ برنده‌ای از دستان سوریه خارج کرد و میان جولان و لبنان جدایی افکند. این نکته تفوق جایگاه اسرائیل را در چانه‌زنیهای مذاکرات با سوریه به همراه خواهد داشت.

دیدگاه دوم

طرفداران دیدگاه دوم، مخالفان خروج از لبنان بودند که دلایل ذیل را برای اثبات نظر خود ذکر می‌کردند:

۱) حل مسأله لبنان قبل از حل مسأله روابط با سوریه امکان‌پذیر نیست.

عقب‌نشینی همچنان موجب و موضوع بحث و نظرهای مختلف در محافل سیاسی و در نشریات اسرائیلی، راهپیمایی مخالفان حضور در جنوب لبنان و ابراز مواضع شخصیت‌های سیاسی بود. این روند به هنگام عملیات حزب‌الله... تشدید شد و در دوره آرامش رو به نزول می‌رفت، اما همواره سیری صعودی به سمت تفوق دیدگاه موافقان خروج از لبنان داشت.

در همین راستا طرحی از سوی آریل شارون طراح سناریوی اشغال مطرح گردید مبنی بر این که اسرائیل در یک مقطع، بخشی از جنوب لبنان را تخلیه می‌کند و در صورتی که خشونت و درگیری وجود نداشته باشد، کار عقب‌نشینی را با عقب کشیدن نیروها به بخش دیگر ادامه می‌دهد. اما اگر پس از عقب‌نشینی اسرائیل و در خلال تحقق این امر، باز هم حملات حزب‌الله... به مرزهای شمالی اسرائیل ادامه یافت، اسرائیل مبادرت به انجام یک حمله سنگین علیه لبنان می‌نماید.

شارون در دفاع از طرح خود به این

درگیری ایجاد کند، در حالی که اگر مذاکرات قبل از خروج انجام گیرد، حوزه عمل سوریه به جنوب لبنان محدود خواهد بود.

ز) با خروج از لبنان و نزدیک شدن حزب‌الله... به خطوط مرزی، امکان برقراری تماس آنها با گروه‌های تندرو فلسطینی نظیر حماس و جهاد اسلامی آسانتر خواهد شد و ممکن است با گسترش روابط نظامی این گروه‌ها، حملات اتحاری با سازماندهی بهتری صورت گیرد.

ح) ضربه پذیری در جنوب، نباید عامل گریز باشد، بلکه باید شیوه‌های مقابله با حزب‌الله... و جبهه مقاومت اسلامی را تغییر داد و زیرساخت‌های دولت لبنان را مورد تعرض جدی قرار داد.

این دو دیدگاه در دوره نخست وزیری پرز، نه تنها به هم نزدیک نشدند بلکه «عملیات خوشه‌های خشم» پرز، فاصله میان آنها را عمیق‌تر کرد. (۱۰) در دوره نخست وزیری «تانیاو» نیز بحث

تکیه دارد، باید به مذاکره با سوریه دست یسافت و آتش بس در لبنان را تضمین کرد. (۱۲)

طرح شارون در داخل دولت اسرائیل نیز موافقان چندانی را جذب نتمسود. از جمله مخالفان طرح وی، «اسحاق مردخای» بود. وزیر دفاع مدعی بود تا زمانی که ترتیبات امنیتی جامعی در منطقه حاکم نگردد، اسرائیل نمی تواند به صورت یکجانبه از لبنان خارج شود. (۱۳)

مردخای همچنین در جلسه کمیسیون امور خارجی و امنیت گفت: «ارتش علیه تهدیدات و خطرات موجود در لبنان تلاش می کند. وجود کمربند امنیتی یک عامل مهم به شمار می رود و نباید بر سر امور امنیتی ریسک کرد.»

در این جلسه مردخای پس از درگیری لفظی با «یوسی بیلین» که مخالف ادامه اشغال جنوب لبنان بود، خطاب به وی گفت: مسأله لبنان موضوعی فراتر از مسایل جناحی و

موضوع پرداخت که باید مسأله لبنان را از سوریه جدا کرد و بطور جداگانه با هر یک به مذاکره پرداخت، زیرا پیوستگی این دو موضوع اسرائیل را اسیر سوریه خواهد کرد. او طی مصاحبه ای با شبکه یک تلویزیون اسرائیل گفت: «مسأله مذاکره با سوریه، از موضوع جنوب لبنان جداست و نباید این دو مسأله را به هم ربط داد. مذاکره با سوریه یک مطلب و اوضاع لبنان موضوع دیگری است. در غیر این صورت آنچه اتفاق می افتد این است که نظامیان ما در لبنان و مناطق مرزی، تبدیل به گروگانهایی در دست سوریه می شوند و سوریه هر بار چیز بیشتری می طلبد. در لبنان، دولت این کشور مسئول است. (۱۱)»

«وایزمن»، رئیس جمهور اسرائیل به عنوان یکی از مخالفان طرح شارون در پاسخ به دیدگاههای وی در مورد مذاکره جداگانه با لبنان، مدعی شد که لبنان، مستقل از سوریه نیست که بتوان جداگانه با آن مذاکره کرد. او معتقد بود نذر به این که لبنان بطور کامل به سوریه

برای سوریه بفرستیم.» (۱۵)

وی در ادامه می‌افزاید: «دولت اسرائیل باید هم اکنون مذاکرات با سوریه را از سر بگیرد و در چهارچوب این مذاکرات به نظر من می‌توان به توافقی در مورد خروج تدریجی ارتش از جنوب لبنان دست یافت.» (۱۶)

در این مقطع، ارتش نیز معتقد بود که دفاع از شمال اسرائیل، باید از داخل نوار امنیتی صورت گیرد و بهترین دفاع باقی ماندن در داخل نوار امنیتی است. نظامیان این نگرانی را نیز پنهان نمی‌کردند که حتماً باید قبل از خروج از جنوب لبنان، ارگان دیگری برای برعهده گرفتن مسئولیت فعلی ارتش اعلام آمادگی کند. (۱۷)

در این میان، تانیا هو بدون این که از هیچ یک از طرح‌های ارایه شده حمایت کند و جانب دیدگاه‌های موجود در بدنه نظام اسرائیل را بگیرد، طی مصاحبه‌ای با برشمردن اهداف اسرائیل از ادامه اشغال جنوب لبنان گفت: «اسرائیل در جنوب

حزبی است. هدف یکی است و آن این که در شرایط موجود چگونه می‌توان از شمال کشور دفاع کرد.» (۱۴)

جناح چپ به رهبری «ایهود باراک» نیز معتقد بود که ابتدا باید با سوریه به توافق دست یافت و سپس سراغ لبنان رفت. باراک در مصاحبه‌ای با روزنامه معاریف گفت: «آنچه در لبنان می‌گذرد تسلاشی از سوی سوریه است برای فشار آوردن به ما تا به سوی صلحی فراگیر گام برداریم. به عقیده من ریشه مشکل اینجاست. من با عقب نشینی یکجانبه مخالف هستم. زیرا حزب... و دیگر گروه‌های مسلح به تعقیب ما خواهند پرداخت. اگر گفتگوها به لحظه‌های دشوار برسد، سوریه مهار این سازمان را رها می‌کند و در این صورت آتش جنگ در کنار مرزهای ما شعله‌ور می‌شود. اشغال دوباره لبنان که آسان و ساده می‌نماید، ممکن است به جنگی خانمان سوزیا «خوشه‌های خشم» دیگری تبدیل گردد. ما باید پیام‌هایی

با سوریه به توافق دست یافت. وایزمن نیز در این گروه جای داشت. بنابراین حزب کارگر را در این رابطه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف) طرفداران طرح شارون که با خروج مرحله‌ای و جدا کردن مسأله لبنان از سوریه معتقد بودند.

ب) افرادی نظیر مردخای که اصولاً با تکیه بر دیدگاهی نظامی معتقد بودند با تخلیه جنوب لبنان جای پای مطمئن برای دفاع از شمال اسرائیل را از دست خواهند داد. بنابراین تا حصول شرایط امنیتی مطمئن خروج از لبنان را اقدامی عاقلانه نمی‌دانستند.

علت تغییر دیدگاه نخبگان اسرائیلی از زمان اشغال تا عقب‌نشینی را می‌توان بر دو محور عمده استوار نمود: عدم برابری هزینه‌ها و فرصتهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که محکوم شدن اسرائیل توسط دولتهای منطقه و جهان را به دنبال داشت و حمایت بیش از پیش ایالات متحده را می‌طلبید. (همچنانکه با تلاش فراوان و

لبنان سه هدف را دنبال می‌کند. هدف اول و اصلی دفاع از مرزهای شمالی است. هدف دوم تلاش برای کاهش تلفات نظامیان است و هدف سوم حفظ و حراست از سلامتی هم‌پیمانان یعنی ارتش جنوب لبنان است». (۱۸) وی در جای دیگر می‌افزاید: «ما به دنبال این اهداف خواهیم بود و در لحظه‌ای که به راه حلی که اهدافمان را تأمین کند رسیدیم، بطور کلی از لبنان خارج خواهیم شد». (۱۹)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان دیدگاههای موجود در پیرامون ادامه اشغال و یا تخلیه جنوب لبنان را در این مقطع به شکل زیر دسته‌بندی نمود:

۱) گروهی که معتقد بودند بدون قید و شرط باید از جنوب لبنان خارج شد. سردمداران این گروه افرادی نظیر یوسی بیلین یا جناح به اصطلاح صلح طلب حزب کارگر بودند.

۲) گروهی به رهبری باراک که معتقد بودند باید برای خروج از لبنان ابتدا

که روز به روز هزینه های حضور اشغالگرانه اسرائیل به صورت تصاعدی بالا می رفت.

پس از روی کار آمدن دولت باراک وی اعلام کرد که می خواهد صلح را در سه بعد سوری، فلسطینی و لبنانی و در یک دوره زمانی مشخص دنبال کند. او خروج از لبنان ظرف یکسال را به عنوان یکی از شعارهای انتخاباتی خود مطرح نمود. خروج مزدوران آنتوان لحد (ارتش جنوب لبنان) از جزین نشان داد که این آمادگی در اسرائیلی ها وجود دارد که در صورت تضمین امنیت مرزهای شمالی و به دلیل هراس از مواجهه فرسایشی با مقاومت اسلامی بقیه نیروها نیز به تدریج به عقب کشیده شوند. روندی که با خروج از جزین آغاز شد به دلیل زیر متوقف گردید:

۱- موضوع شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان و سرنوشت آنها پس از خروج اسرائیل

۲- پیوند مسأله لبنان و سوریه

دخالت های آمریکا در شورای امنیت قطعنامه های این نهاد به نفع اسرائیل تعدیل یا وتو می شد. از سوی دیگر، نارضایتی جامعه اسرائیل از حضور در جنوب لبنان و کاهش فرصت های این رژیم در جنوب به دلیل ظهور حزب الله و چالش جدی آنها با نظامیان اسرائیلی از عوامل چرخش دیدگاه نخبگان اسرائیلی مبنی بر پذیرش شکست در این منطقه و عقب نشینی از خاک لبنان به شمار می رود.

نکته ای را که رهبران اسرائیل هنگام نگارش سناریوی اشغال به هیچ وجه پیش بینی نمی کردند موضوع پیدایش مقاومت بود که در محاسبات نخبگان اسرائیلی به شمار نیامده بود. برای آنها تصور این نکته هم ممکن نبود که فرد، گروه یا جنبشی در منطقه توان ایستادگی در برابر نظامیان تا دندان مسلح اسرائیلی را داشته باشد. مقاومت اسلامی و در رأس آن حزب الله معادلات اشغال را بر هم زد و لاینحل باقی گذاشت، به نحوی

نوع تاو را به طرف سنگری که من در آن نشسته بودم، شلیک کرد و به این ترتیب، روحم از بدن جدا شد. حالا دارم همه چیز را می بینم، حاخام دعا می خواند و هم قطارانم به ییاد من تیر هوایی شلیک می کنند. حتی فرمانده ام که همیشه با او درگیری داشتم، از من به نیکی یاد کرد: سربازی شجاع، محبوب و دوست داشتنی، مایاد او را همیشه زنده نگه می داریم.... چند دقیقه بعد مراد در نزدیکی قبر یکی از دوستانم که دیروز کشته شده بود، دفن کردند.

ولی آقای نخست وزیر، یک موضوع هنوز برایم سؤال برانگیز است. چرا من باید می مردم؟ شما همیشه می گفتید ما قوی ترین ارتش جهان هستیم و هیچ وقت شکست نمی خوریم، ولی حالا همه می دانند که ما خیلی وقت است که در جنگ شکست خورده ایم. ارتش بزرگ اسرائیل با آن همه تیپ زرهی، اسکادران هوایی و نساوچه دریایی، در حال عقب نشینی است آن هم با سرافکنندگی و

۳- حملات مستمر و شکننده حزب الله در این میان زئیف شیف نویسنده مشهور مسائل نظامی در روزنامه ها آرتص نوشت: «اسرائیل خود را در یک مرداب استراتژیک می بیند» زیرا اکنون راهی جز عقب نشینی از اراضی اشغالی برایش باقی نمانده است. (۲۰) نمونه این گفته ها و اظهار نظر ها از سران سیاسی و نظامی اسرائیل که اشغال لبنان را امری اشتباه تلقی می نمایند، به وفور یافت می شود، ولی شاید جالبترین بخش نامه طنز تلخی باشد که یکی از سربازان اسرائیلی چند روز قبل از کشته شدنش در جنوب لبنان خطاب به باراک نوشته است. در این نامه که متن آن در روزنامه عبری زبان معاریف چاپ شده، چنین آمده است:

«جناب نخست وزیر، با کمال تأسف خیر کشته شدنم را قبل از پایان جنگ لبنان به اطلاع شما می رسانم. یک رزمنده حزب ا... با دقتی فوق العاده، موشکی از

خجالت زدگی. آقای نخست وزیر، شما چطور موضوعی را که سربازان عادی هم آن را می دانستند، نفهمیدید. جنگ ما در لبنان، نبرد داوود با جالوت بود. اما لبنانی ها داوود بودند و ما جالوت. آنان مانند داوود ما را شکست دادند، اما شما فقط گفتید ما در زمان و مکان مناسب به لبنان پاسخ خواهیم داد و انتقام خواهیم گرفت.

آخر کدام انتقام، کدام پاسخ. دیگر از این حرفها خنده ام می گیرد. دشمن ما را تکه تکه کرد ولی شما فقط به تأسیسات برق و پلها حمله کردید، به شهرداری بیروت حمله کردید یا باغ وحش بیروت

را بمباران کردید. آخر این همه شد تلافی. افسراد حزب... مانند ویت کنگ ما را خرد کردند. اگر یادتان باشد در ویتنام ۵۶ هزار سرباز آمریکایی کشته شدند و آخرش هم شکست خورده و فرار کردند. ما هم همین بلا بر سرمان آمد. دلم می خواهد با صدای بلند فریاد بزنم و به شما و تمام نخست وزیران قبلی بگویم: اگر چند سال قبل از جنوب لبنان عقب نشینی می کردید، من و دوستانم که در جنگ کشته شدیم، حالا زنده بودیم... اما افسوس که کار از کار گذشته، چرا که من دیگر مرده ام. (۲۱)

پروپاگاندای علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

نظرات خود را در رابطه با راه حل بحران لبنان در بهار ۱۹۸۲ (۲۶ ماه می) به هنگام سخنرانی در شورای شیکاگو در مورد روابط خارجی بطور علنی ابراز نمود:

لبنان امروز به صورت یک کانون خطر درآمده است زمان آن فرا رسیده است تا اقدامی لازم در جهت حفظ تمامیت ارضی لبنان، در مرزهای شناخته شده بین‌المللی آن و حمایت از یک دولت مرکزی قوی که قادر باشد تا یک جامعه آزاد، باز و دموکراتیک و بطور سنتی چند حزبی را بوجود آورد، صورت گیرد.

۶- کمیونی که در رابطه با فاجعه صبرا و شتیلا تحقق می‌نمود و فشار سیاسی بسیاری از سوی این کمیسیون بر شارون وارد آمد.

۷- نام عبری روستای خالصه، کیریات شمعونه می‌باشد.

۸- اوری لوبرانی در سال ۱۹۲۶ در حیفا به دنیا آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را در لندن به انجام رسانید. وی برای مدتی سفیر اسرائیل در ایران بود.

۹- این جنبش توسط گروهی از مادران و همسران سربازان و افسران اسرائیلی که در جنوب لبنان کشته شده‌اند تأسیس شده و خواهان خروج اسرائیل از جنوب لبنان هستند. این گروه به مناسبت‌های مختلف تظاهرات و مراسم را

۱- راینووویچ، ایتمار. جنگ برای لبنان، جواد صفایی، غلامعلی رجبی یزدی (تهران: سفیر، ۱۳۶۸) ص ۱۳۹.

۲- آرل شارون نخست وزیر اسرائیل در یکی از تازه‌ترین اظهاراتش که در جمع رؤسای اقلیتهای یهودی جهان به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد اشغال فلسطین صورت گرفت گفت: ما باید همواره یک چیز را در خاطر داشته باشیم و آن اینکه ملت یهود کشور کوچک و زیبایی دارد که نعمتهای زیادی در آن وجود دارد، اما این کشور برای ما خیلی کوچک است! (شبهه یک تلویزیون اسرائیل - ۱۳۸۰/۲/۳).

۳- علت عمده انتخاب وی از سوی جامعه اسرائیل برای تصدی منصب نخست وزیر نیز بر پایه ویژگیهای شخصیتی و ذاتی وی استوار بود زیرا شارون اصلاً برنامه‌ای را برای انتخابات سال ۲۰۰۰ ارائه ننمود که پیروزی وی را در راستای ارائه برنامه‌ای مناسب توجیه نماید. (جهت اطلاع بیشتر ر. ک به کابینه آرل شارون و صفحه شطرنج سیاسی، ضمیمه ویژه شماره ۵۸۰، ۷۹/۱۲/۲۲، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندآ).

۴- راینووویچ، ایتمار. پیشین ص ۱۴۹.

۵- الکساندر هیگ، وزیر خارجه وقت آمریکا،

انتخابات

پ) جلوگیری از ادامه حملات موشکی (کاتیوشا) به داخل محدوده شمال اسرائیل
 ت) رو در رو قرار دادن حزب ا... و دولت لبنان
 ۱۱- هاآرتص (۷۷/۹/۸)

۱۲- شبکه یک تلویزیون اسرائیل - ۷۷/۹/۸

۱۳- هاآرتص - ۲۹ نوامبر ۱۹۹۸ (۱۳۷۷/۹/۸)

۱۴- شبکه یک تلویزیون اسرائیل - ۷۷/۹/۹

۱۵- الشراخ - ش ۸۰۸ - ۲۴ نوامبر ۹۸

۱۶- شبکه یک تلویزیون اسرائیل - ۷۷/۹/۶

۱۷- آریه اوسولیوان - جروزالیم پست، ۲۹ نوامبر

۹۸- ۱۹۷۷/۹/۹

۱۸- شبکه یک تلویزیون اسرائیل - ۷۷/۹/۱۱

۱۹- شبکه یک تلویزیون اسرائیل - ۷۷/۹/۸

۲۰- روزنامه هاآرتص ۲۹ نوامبر ۱۹۹۸

۲۱- اسداللهی، مسعود. از مقاومت تا پیروزی،

(تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان

نور، ۱۳۷۹). ص ۱۷۵-۱۷۴.

سازماندهی می نمایند و بدین وسیله رهبران اسرائیل را برای عقب نشینی از جنوب لبنان تحت فشار قرار می دهند.
 برای آگاهی بیشتر در مورد این جنبش به آدرس www.4Mothers.org.il مراجعه نمایید.

۱۰- عملیات «خوشه های خشم» از روز

۱۹۹۶/۴/۱۱ آغاز شد و ۱۶ روز طول کشید و طی

آن ۵۰۰ عملیات نظامی علیه لبنان انجام شد و ۲۳

هزار موشک به سوی لبنان شلیک گردید. روز ۱۶

آوریل، خونین ترین روز بود. در این روز در پی

حمله هوایی اسرائیل به مقر نیروهای حافظ صلح

سازمان ملل در جنوب لبنان، در روستای فانا که

آوارگان در این محل جمع شده بودند،

۹۸ غیرنظامی شهید و صد نفر دیگر زخمی شدند.

اسرائیل اهداف زیر را از این عملیات دنبال

می کرد:

الف) سرکوب حزب ا... لبنان

ب) تلاش پسرز و کلیتون برای پیروزی در